نفت ایران، بریتانیا و هفت‌خواهران

فاز نخست

وضعیت قراردادهای نفتی ایران از بدو کشف نفت تا زمان دکتر محمد مصدق و جریان ملی شدن صنعت نفت، تحت سلطه انحصاری بریتانیا و مشخصاً شرکت نفت انگلیس و ایران (AIOC) قرار داشت. این دوره را می‌توان در **سه ایستگاه و قرارداد اصلی** بررسی کرد:

۱. امتیازنامه دارسی (۱۹۰۱ / ۱۲۸۰ خورشیدی)
نقطه آغاز ورود استعمار نفتی به ایران با امضای امتیازنامه «ویلیام ناکس دارسی» در زمان مظفرالدین‌شاه قاجار رقم خورد:

- **دامنه انحصار:** اعطای امتیاز حقوق اختصاصی اکتشاف، استخراج، پالایش و بهره‌برداری از نفت و گاز در **تمام خاک ایران به استثنای پنج استان شمالی** (هم‌مرز با روسیه) برای مدت **۶۰ سال**.
- **سهم ایران:** در مقابل این انحصار بی‌سابقه، ایران تنها **۱۶ درصد از سود خالص سالانه** شرکت را دریافت می‌کرد.
- **کشف نفت و شکل‌گیری APOC:** با کشف نخستین چاه نفت در مسجدسلیمان (۱۹۰۸)، «شرکت نفت انگلیس و پرشیا» (APOC) شکل گرفت. در آستانه جنگ جهانی اول، دولت بریتانیا با خرید ۵۱ درصد از سهام این شرکت، مالک و سیاست‌گذار اصلی نفت ایران شد.

۲. قرارداد ۱۹۳۳ (۱۳۱۲ خورشیدی) در عصر رضاشاه
پس از بروز اختلافات شدید بر سر نحوه محاسبه ۱۶ درصد سود ایران و افت شدید درآمدها طی بحران اقتصادی جهانی، رضاشاه امتیازنامه دارسی را به درون بخاری انداخت و آن را لغو کرد. اما نتیجه مذاکرات بعدی (معروف به قرارداد ۱۹۳۳) به نفع ایران تمام نشد:

- **تمدید ۶۰ ساله انحصار:** مدت امتیاز تا سال ۱۹۹۳ (۱۳۷۲ خورشیدی) تمدید شد؛ موضوعی که تداوم حضور بریتانیا را برای ده‌ها سال دیگر تضمین می‌کرد.
- **کاهش مساحت امتیاز:** مساحت تحت کنترل شرکت به حدود ۲۶۰ هزار کیلومتر مربع محدود شد.
- **تغییر مبنای پرداخت:** به‌جای ۱۶ درصد سود خالص، پرداختی به ایران بر اساس **۴ شیلینگ به ازای هر تن نفت فروخته‌شده** به همراه سهمی ناچیز از سود سهام تعیین گردید.
- **عدم شفافیت حساب‌ها:** شرکت بریتانیایی اجازه هرگونه بازرسی یا حسابرسی دفاتر مالی را از طرف نمایندگان ایران سلب کرده بود و مالیات‌های سنگینی به دولت بریتانیا می‌پرداخت، در حالی که سهم ایران پرداختی ثابت و ناچیز بود.

۳. «گسست پس از جنگ دوم» و پیشنهاد قرارداد الحاقی (گس-گلشائیان)
پس از پایان جنگ جهانی دوم، آگاهی عمومی و سیاسی در ایران نسبت به غارت منابع نفتی افزایش یافت. کشورهای عربی و ونزوئلا توانسته بودند فرمول **۵۰–۵۰ (تقسیم مساوی سود)** را از کمپانی‌های نفتی آمریکا بگیرند، اما شرکت نفت انگلیس و ایران از پذیرش این فرمول در ایران امتناع می‌ورزید:

- **قرارداد الحاقی گس-گلشائیان (۱۹۴۹ / ۱۳۲۸):** شرکت بریتانیایی پیشنهادی برای افزایش جزئی سهم پرداختی به ایران (افزایش حق‌الامتیاز از ۴ به ۶ شیلینگ) ارائه داد.
- **رد قرارداد در مجلس:** این پیشنهاد با مقاومت سرسختانه فراکسیون اقلیت مجلس شانزدهم به رهبری **دکتر محمد مصدق** و جبهه ملی مواجه و رد شد.

۴. بن‌بست نهایی و قانون ملی شدن صنعت نفت (۱۳۲۹–۱۳۳۰)
پافشاری شرکت بریتانیایی بر عدم اعطای سهم عادلانه ۵۰–۵۰ و مداخله مستقیم در امور سیاسی ایران، فضای اجتماعی و سیاسی را به سمت تنها راهکار باقی‌مانده سوق داد: **قطع کامل دست بریتانیا.**

- در **۲۹ اسفند ۱۳۲۹**، قانون ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور به تصویب مجلس شورای ملی و مجلس سنا رسید.
- با روی کار آمدن دولت دکتر مصدق در اردیبهشت ۱۳۳۰، خروج تکنسین‌های بریتانیایی، خلع ید از شرکت نفت انگلیس و ایران و تصرف پالایشگاه آبادان توسط شرکت ملی نفت ایران عملیاتی شد؛ اقدامی که متعاقباً به محاصره اقتصادی، تحریم نفتی ایران توسط بریتانیا و در نهایت کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ انجامید.

خلاصه مقایسه قراردادهای نفتی تا پیش از ملی‌شدن

نام قرارداد	سال امضا	مدت انحصار	سهم پرداختی به ایران	ویژگی اصلی
امتیاز دارسی	۱۹۰۱ (۱۲۸۰)	۶۰ سال	۱۶٪ از سود خالص	انحصار بر ۶/۵ خاک ایران و ورود دولت بریتانیا
قرارداد ۱۹۳۳	۱۹۳۳ (۱۳۱۲)	۶۰ سال دیگر (تا ۱۹۹۳)	۴ شیلینگ به ازای هر تن نفت	تمدید زمان انحصار و سلب حق حسابرسی از ایران
گس-گلشائیان (رد شد)	۱۹۴۹ (۱۳۲۸)	-	۶ شیلینگ به ازای هر تن	تلاش برای مهار موج ملی‌گرایی بدون اعطای ۵۰–۵۰

****

فاز دوم

پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ (۱۹۵۳ میلادی) و سرنگونی دولت دکتر محمد مصدق، انحصار تک‌جانبه شرکت نفت انگلیس و ایران (AIOC) پایان یافت و جای خود را به **«قرارداد کنسرسیوم نفت»** داد که در مهرماه ۱۳۳۳ (اکتبر ۱۹۵۴) میان دولت ایران و ائتلافی از غول‌های نفتی غربی به امضا رسید.

این قرارداد که در ایران به **«قرارداد امینی–امینی»** (بین **علی امینی** وزیر دارایی وقت ایران و **هاوارد امینی** نماینده کنسرسیوم) معروف شد، ساختار حضور غرب در نفت ایران را برای ۲۰ سال بعدی شکل داد.

۱. ساختار سهام‌داران و سهم غول‌های نفتی
کنسرسیوم با نام رسمی **«شرکت‌های شرکت‌کننده در خدمات نفت ایران» (Iranian Oil Participants Ltd)** در لندن ثبت شد و سهم شرکت‌های اصلی (بویژه گروه **هفت‌خواهران**) در آن به شرح زیر تقسیم گردید:

- **شرکت نفت بریتانیا (BP - نام جدید شرکت نفت انگلیس و ایران): ۴۰٪ سهم** (به‌عنوان غرامت خروج از انحصار مطلق).
- **پنج غول نفتی آمریکایی (هر کدام ۷٪ سهم):** مجموعاً ۳۵٪ سهم
  - *Standard Oil of New Jersey (Exxon)*
  - *Standard Oil of New York (Mobil)*
  - *Standard Oil of California (Socal/Chevron)*
  - *Gulf Oil*
  - *Texaco*
- **شرکت رویال داچ شل (Royal Dutch Shell - بریتانیایی/هلندی): ۱۴٪ سهم**
- **شرکت نفت فرانسه (CFP - بعداً Total): ۶٪ سهم**
- **گروه شرکت‌های مستقل آمریکایی (Iricon Group): ۵٪ سهم**

۲. ویژگی‌های حقوقی و مالی قرارداد کنسرسیوم
۱. **حفظ ظاهر قانون ملی‌شدن:** در ظاهر، مالکیت چاه‌ها و تاسیسات در اختیار **شرکت ملی نفت ایران (NIOC)** باقی ماند، اما حق استخراج، پالایش، قیمت‌گذاری و صادرات نفت ایران به مدت **۴۰ سال** (۲۰ سال اولیه با قابلیت ۳ تمدید ۵ ساله) کاملاً به کنسرسیوم واگذار گردید.

۲. **برقراری فرمول مالی ۵۰–۵۰:** سود حاصل از فروش نفت بر پایه فرمول تقسیم مساوی سود (۵۰٪ برای دولت ایران و ۵۰٪ برای کنسرسیوم) محاسبه شد. این بند باعث جهش قابل توجه درآمدهای ارزی دولت ایران نسبت به دوران قبل از ملی‌شدن گردید.

۳. **پرداخت غرامت به بریتانیا:** دولت ایران متعهد شد مبلغ ۲۵ میلیون لیره استرلینگ به عنوان غرامت به شرکت نفت انگلیس (BP) بپردازد و خود کنسرسیوم نیز مبالغ هنگفتی به عنوان حق امتیاز به BP پرداخت کرد.

۳. پیامدهای ژئوپلیتیک و اقتصادی

- **ورود رسمی ایالات متحده به نفت ایران:** سهم ۴۰ درصدی شرکت‌های آمریکایی در کنسرسیوم، نفوذ سیاسی و اقتصادی بریتانیا در ایران را به نفع نفوذ ایالات متحده تضعیف کرد و نفوذ آمریکا در منطقه را تثبیت نمود.

- **کنترل میزان تولید ایران توسط کارتل غربی:** از آنجا که هفت‌خواهران در نقاط دیگر خاورمیانه و ونزوئلا نیز چاه‌های نفتی داشتند، میزان تولید و صادرات نفت ایران بر اساس منافع کلان و سهمیه‌بندی‌های داخلی این کارتل تعیین می‌شد، نه نیازهای بودجه‌ای ایران.

این قرارداد تا تیرماه ۱۳۵۲ (۱۹۷۳) که تحت فشار شاه و تحولات اوپک، «قرارداد جدید فروش و عملیات» جایگزین آن شد، پایدار ماند.
****

فاز سوم

«قرارداد جدید فروش و عملیات نفت» که در ۵ مرداد ۱۳۵۲ (جولای ۱۹۷۳) به امضای دولت ایران و اعضای کنسرسیوم رسید، ساختار **۲۰ساله** حضور شرکت‌های غربی در صنعت نفت ایران را به‌طور بنیادی دستخوش تغییر کرد.

این قرارداد پس از اولتیماتوم مستقیم شاه به شرکت‌های نفتی در دی‌ماه ۱۳۵۱ تنظیم شد؛ مبنی بر اینکه در پایان مهلت اولیه ۲۰ساله قرارداد ۱۳۳۳ (در سال ۱۹۷۴)، تمدید مجددی در کار نخواهد بود مگر آنکه اختیار کامل عملیات به ایران واگذار شود.

۱. ابعاد و محورهای اصلی قرارداد جدید ۱۳۵۲ (۱۹۷۳)
الف) انتقال کامل حاکمیت و مدیریت عملیاتی
برخلاف قرارداد ۱۳۳۳ که مدیریت فیزیکی چاه‌ها، پالایشگاه‌ها و پایانه‌ها در دست کنسرسیوم بود، در قرارداد جدید:

- **شرکت ملی نفت ایران (NIOC)** کنترل مستقیم و کامل تمام عملیات استخراج، پالایش، پایگاه‌های صادراتی (از جمله پایگاه خارک) و پالایشگاه آبادان را بر عهده گرفت.

- شرکت‌های غربی از حالت «صاحب امتیاز و مجری عملیات» به **«خریداران عمده و تک‌فروشان بلندمدت» (Offtakers)** تغییر وضعیت دادند.

ب) تغییر نقش کنسرسیوم به خریدار مطمئن

- اعضای کنسرسیوم متعهد شدند که به مدت ۲۰ سال، مقدار مشخصی از نفت خام ایران را طبق فرمول قیمتی مصوب اوپک خریداری کنند.

- در مقابل، ایران متعهد شد اولویت خرید این حجم از نفت را به اعضای کنسرسیوم اختصاص دهد، اما کنترل حجم کلی تولید و نرخ استخراج را خود در دست گرفت.

ج) تأسیس شرکت «اسکو» (OSCO) برای خدمات فنی
برای تأمین نیروی متخصص و خدمات مهندسی مورد نیاز، شرکتی غیرانتفاعی تحت عنوان **«شرکت خدمات نفتی ایران» (Oil Service Company of Iran - OSCO)** ثبت شد. این شرکت صرفاً به‌عنوان پیمانکار فنی زیر نظر مستقیم شرکت ملی نفت ایران عمل می‌کرد و هیچ سهم یا مالکیتی از نفت ایران نداشت.

۲. اهمیت و پیامدهای استراتژیک این قرارداد

- **اختیار فروش مستقیم نفت (Direct Sales):** شرکت ملی نفت ایران توانست بخشی از نفت خام استخراج‌شده را خارج از شبکه کنسرسیوم و مستقیماً به خریداران مستقل در سراسر جهان بفرستد که درآمد مستقل ارزی بالایی ایجاد کرد.

- **تثبیت اختیار قیمت‌گذاری:** هم‌زمانی این قرارداد با تصمیم تاریخی اوپک در پاییز ۱۳۵۲ (اکتبر ۱۹۷۳) برای تعیین یک‌جانبه قیمت نفت، دست غول‌های نفتی (هفت‌خواهران) را از تعیین نرخ پایه نفت ایران برای همیشه کوتاه کرد.
- **سرریز درآمدهای نفتی:** با اجرایی شدن این قرارداد و جهش ۴برابری قیمت نفت در اوپک، درآمد نفتی ایران از حدود ۲/۴ میلیارد دلار در سال ۱۹۷۲ به بیش از **۲۰ میلیارد دلار در سال ۱۹۷۴** جهش یافت.

این قرارداد تا زمان وقوع انقلاب اسلامی در پاییز و زمستان ۱۳۵۷ و لغو کامل تمامی قراردادهای نفتی خارجی در دی‌ماه ۱۳۵۸ توسط شورای انقلاب، چارچوب اصلی حاکم بر صادرات نفت ایران باقی ماند.